آموزش تحلیل سیاسی/ نظر امام و رهبر انقلاب درباره‌ وظايف رهبری

از نظر امام و رهبري، نظام مردم‌سالاري ديني داراي مباني مستحکم "ديني و فقهي" است و به همين علت است که رهبر انقلاب دي‌ماه سال گذشته، صراحتا اعلام کردند «من مردم‌سالاري ديني را صادقانه قبول کرده‌ام... هر کسي را که اين مردم انتخاب بکنند....» (۱۳۹۶/۱۰/۱۹) با اين نگاه، تعاريف اشتباه از ولايت فقيه نيز از نظر امام و رهبر انقلاب، جايگاهي در نظام مردم‌سالارانه‌ي ايران ندارد. «ولايت فقيهی که امام بزرگوار ما معنا کردند... و بعد پياده کردند و بعد خود آن بزرگوار مظهر تام و تمام و کاملش بود... يعني يک مديريت زنده و بالنده و پيشرونده. يک جمله‌اي را امام بيان کردند: ولايت مطلقه‌ي فقيه. يک عده‌اي با مغالطه خواستند اين قضيه را به نحوي مشوب کنند و يک معناي غلط و تفسير غلطي بدهند.





معاونت تحلیل و بررسی سیاسی

**سال دوم / شماره 114/ دوشنبه 23 مهر ماه 1397**

**معاونت تحلیل و بررسی سیاسی**

**راز گستاخی دشمن را کجا جست و جو کنیم؟**

****

اگر این پیش‌فرض را «درست» بگیریم که همه دعوای ترامپ و اردوغان، بر سر آن کشیش بوده، و ترامپ هم با وجود آن روحیه سودجو و تجارت‌مسلکش، به خاطر یک کشیش روابط تجاری و سیاسی آمریکا و ترکیه را به خطر انداخت، می‌توان به این نتیجه رسید که، آمریکا به دنبال بازدارندگی بوده است. این نوع واکنش‌ها صرفنظر از درست یا غلط بودن، معمولا مرسوم است و کشورها برای در امان ماندن از خطرات و تهدیداتی که ممکن است از سوی کشوری متوجه آنها شود، با رفتار یا حتی گفتار به حریف نشان می‌دهند «هزینه خواهد داد.». برخی سیاستمداران اما به عکس این سیاست معتقدند. معتقدند دشمن هر قدر تهدید کرد، خیانت کرد، نباید کاری کرد که موجب بازدارندگی شود! اگر هم کاری می‌کنند، در حد اعتراض توییتری، محکومیت زبانی باشد یا حداکثر در حد شکایت در مجامع بین‌المللی. مجامعی که قوانینش هیچ ضمانت اجرایی ندارد و فقط می‌توان از احکامش استفاده سیاسی کرد. همین! این نگاه، نه تنها باعث بازدارندگی نمی‌شود، بلکه حریف را حریص کرده و به طمع می‌اندازد. «پرهیز از اظهار ضعف در مقابل دشمن» یک اصل مهم در سیاست و کشورداری است که رعایت آن قطعا باعث بازدارندگی است. همین اظهار ضعف‌ها ریشه بسیاری از اتفاقات تلخی است که در این 5 سال رخ داد. کدام سال از 40 سال انقلاب را سراغ دارید که این میزان به سفارتخانه‌های ایران حمله شده باشد، در این مدت، کدام سال را سراغ دارید که دیپلمات کشورمان را با ترفندهای کثیف انگلیسی اول لغو مصونیت کنند، بعد دستگیر کنند، سپس محاکمه و شکنجه و...! آیا رها کردن فاجعه منا و به صلابه نکشاندن قاتلان وحشی حدود 500 زائر ایرانی به دشمن جرات نداده است؟ ترامپ با آن دیوانگی‌اش از زندانی شدن یک کشیش ساده

آمریکایی نگذشت، ما چطور گذشتیم؟! آقایان دیپلمات! «شاید» علت هجمه بی‌سابقه آمریکا به ایران در این 40 سال، تشکیل یک گروه ویژه به شدت ضدایرانی در کاخ سفید و... «فقط» روی کار آمدن قمار‌بازی چون ترامپ در آمریکا نباشد. شاید برخی ‌اشتباهات ما هم در به وجود آمدن چنین شرایطی موثر بوده است. این را لااقل، به عنوان یک فرضیه لابلای فرضیه‌های دیگرتان که می‌توانید در نظر بگیرید. وقتی وزیر خارجه فرانسه می‌گوید «تهران معترض نشد بیخ گوشش رزمایش برگزار کردیم» یعنی، گاهی یک اعتراض واقعی هم می‌تواند بازدارنده باشد.

**ژئوپلتیک مخالفت هند با تحریم‌های ایران**

****

هند از منظر «ژئوپلتیک انرژی» کنترل چندانی بر منابع و مسیرهای انرژی ندارد، اما تأمین «امنیت انرژی» برایش جنبه حیاتی دارد. در این رابطه هند به عنوان سومین اقتصاد پویای آسیا، در حال حاضر حدود 10 درصد از نیاز نفتی خود را از ایران تأمین می‌کند. این در شرایطی است که قیمت‌های جهانی نفت در حال افزایش بوده، و این امر، یعنی جایگزینی نفت سایر کشور‌‌‌‌‌ها به جای نفت ایران(به دلیل تحریم)، به دلیل مابه‌التفاوت اختلاف قیمت‌ها حدود 6 میلیارد دلار برای«اقتصاد‌» و «امنیت انرژی» هند هزینه خواهد داشت. منهای اینکه ایران در رقابت با سایر تأمین‌کنندگان نفتی، علاوه بر حمل رایگان محموله‌های نفتی، یک مهلت 60 روزه را برای بازپرداخت بدهی در نظر می‌گیرد. در بعد داخلی نیز پالایشگاه‌های هند با توجه به اینکه دسترسی به نفت ارزان‌ ایران را از دست خواهند داد، با هزینه‌های تولید بالاتری مواجه خواهند شد و هرگونه افزایش هزینه‌های داخلی سوخت برای جمعیت میلیاردی هند، به معنای ایجاد مشکل برای دولتی است که در آستانه انتخابات عمومی قرار دارد. در سطح جهانی هند تمایل دارد از سوی بازیگران جهانی به عنوان قدرتی نوظهور نگریسته شود؛ قدرتی که دغدغه‌های امنیتی آن فراتر از رقابت‌های امنیتی با پاکستان بوده، در تلاش است تا روابطش را با مناطق داخلی اوراسیا گسترش دهد. بندر چابهار در افزایش نفوذ و اثرگذاری هند در افغانستان، آسیای مرکزی، قفقاز و خاورمیانه بسیار کمک‌کننده خواهد بود.

در سطح منطقه‌ای نیز هند چابهار را بدیل بندر کراچی می‌بیند. با توجه به امضای توافقنامه‌های انرژی و زیرساخت‌‌‌‌‌‌ها بین چین و پاکستان و نوع روابط راهبردی هند با افغانستان، هند تمایل دارد روابط سیاسی و بازرگانی این کشور و آسیای مرکزی به پاکستان وابسته نشود. لذا چابهار برای هند به معنای از پیش رو برداشته شدن مانعی به نام پاکستان خواهد بود که در طول سال‌های گذشته همواره سدی در مسیر مبادلات تجاری و معاملات اقتصادی این کشور با کشورهای منطقه آسیای مرکزی و روسیه بوده است. با این وجود، تأخیرهای مکرر هند در انجام پروژه چابهار، در نهایت ایران را وادار کرده که برای سرعت بخشیدن به عملیات توسعه این بندر به سوی چین و پاکستان متمایل شود. محمدجواد ظریف، وزیر

خارجه در سفر ماه گذشته خود به اسلام‌آباد گفت كه تهران از سرمایه‌گذاری چین و پاکستان در چابهار استقبال می‌کند. این تغییر جهت هرچند برای ایران که می‌خواهد از موفقیت اقتصادی بندر چابهار اطمینان حاصل کند دارای توجیه عقلانی است، اما برای هندی‌‌‌‌‌‌ها که چین و پاکستان را رقبای خود می‌پندارند، یک هشدار به شمار می‌آید.

با این تفاسیر اعمال تحریم‌های جدید علیه ایران زنگ خطری برای هند به شمار می‌آید، چرا که تحریم‌‌‌‌‌‌ها نه تنها کشور‌‌‌‌‌ها و شرکت‌‌‌‌‌‌ها را از تجارت با ایران باز می‌دارد، بلکه تهدید به اعمال تحریم علیه نهادهای مالی که با ایران تجارت می‌کنند، ممکن است به ناتوانی هند در تأمین سرمایه لازم برای گسترش بندر استراتژیک چابهار منجر شود. لذا هرچند هند هنوز موضع رسمی خود را درباره تحریم‌های آتی اتخاذ نکرده است، ولی انتظار می‌رود سفر «هوک» نیز برای امریکایی‌‌‌‌‌‌ها ثمر خاصی نداشته باشد.

**الگویی مانع اغیار برای نخستین بار در تاریخ ایران**

****

112سال پس از امضای فرمان مشروطیت و آغاز دوره ای نوین در حیات اجتماعی – سیاسی ملت ایران، این نخستین بار است که الگویی صد در صد بومی با لحاظ جهان بینی اسلامی و مبانی ارزشی برای پیشرفت کشور عرضه و ارائه می شود. هرچند ممکن است بخش هایی از این سند مهم پس از واکاوی صاحب نظران، در معرض جرح و تعدیل قرار گیرد، اما این امر، نافی اهمیت خطیر تدوین آن در بستر تاریخ معاصر ایران نیست. مروری بر برنامه های توسعه کشور طی 50سال حاکمیت رژیم پهلوی، گرچه نشان دهنده برخی آثار سخت افزاری است، اما پیامدهای نرم افزاری همین آثار، آن چنان بود که سرانجام طومار این رژیم را با انقلابی ماهیتا دینی درهم پیچید. از این منظر، کاملا هویداست که اگر برنامه ریزان کشور در دهه های 40 و 50 شمسی، توجهی در خور به فرهنگ بومی و باورهای توده های مردم می داشتند، بدون شک محصولات فکر و تأمل آنان دستخوش دگرگونی هایی بنیادین می شد. اهتمام به جنبه های نرم افزاری تمدن سازی، البته با پیروزی انقلاب اسلامی در کانون توجه و مطمح نظر مدیران کشور قرار گرفت اما رویدادهایی همچون جنگ تحمیلی هشت ساله، موج تروریسم در دهه 60 و ... مانع از آن شد که این اهتمام بایسته در قالب یک برنامه نظام مند و مدون رخ بنماید.برهمین اساس، با وجود تلاش های دولت های پس از انقلاب، برنامه های توسعه در بعضی بخش ها، گاه با شدت و گاه با ضعف به تقابل با جنبه های نرم افزاری تمدن سازی اسلامی می انجامیدند. انتقادهایی که از دهه 70شمسی راجع به طیفی از مسائل، از سبک معماری تا علوم انسانی رایج مطرح می شد، عموما از این بن مایه نشئت می گرفت.با این وصف، جای خالی سندی جامع و در عین حال مانع از اغیار غربی، حتی در چند دهه پس از انقلاب اسلامی محسوس و ملموس بود. بر این مبنا، الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت را می توان پاسخی به این نیاز تاریخی به شمار آورد؛ نیازی که اگر به رفع آن همت گماشته نمی شد، چون مانعی بزرگ در برابر تحقق آرمان های مادی و معنوی انقلاب اسلامی قد بر می افراشت.

**CFT پازل توطئه‌های دشمن را تکمیل می‌کند**

****

تصویب FATF مشکل ما را در مبادلات پولی حل نمی‌کند اما مشکلات آمریکا در دسترسی به اطلاعات اقتصادی ما را حل می‌کند. بدون اینکه FATF عضویت ما را بپذیرد ما یک‌سویه داریم به این تعهدات عمل می‌کنیم. تصویب آن در مجلس همانطور که وزیر امور خارجه گفته است مشکل ما را در مبادلات پولی حل نمی‌کند اما مشکلات آمریکا در دسترسی به اطلاعات اقتصادی ما را حل می‌کند؛ آنها در نبرد اقتصادی با ملت ایران از این اطلاعات سود می‌برند. محمد حبیبی با اشاره به خصومت دولت آمریکا با ملت ایران گفت: آمریکایی‌ها یک جنگ تمام عیار اقتصادی علیه ملت ما ساماندهی کردند و زیرساخت‌های عملی و علمی آن را هم طی 30 سال گذشته به‌وجود آوردند.FATF یا بهتر بگوییم لایحه مربوط به CFT پازل توطئه‌های دشمن علیه ملت ایران را تکمیل می‌کند. دبیرکل حزب موتلفه اسلامی افزود: چه خوب بود نمایندگان با شفاف‌سازی رأی خود هنگام تصویب CFT مخالفت نمی‌کردند.

**مسكّن امريكايي براي افغانستان**

****

بعيد به نظر می رسد كه استراتژي جديد دولت ترامپ دورنما و چشم‌انداز جديدي براي صلح در افغانستان بعد از 17 سال درگيري ايجاد كرده‌باشد. ترامپ شعارهاي زيادي از جمله اينكه ادعا كرده‌بود كه حضور نظاميان امريكايي در افغانستان هيچ منفعتي براي دولت امريكا ندارد. اين وعده ترامپ تاكنون عملي نشده است، او راه‌هاي مختلفي را براي پايان دادن به جنگ افغانستان در يك سال و نيم گذشته امتحان كرده است. پرونده افغانستان، يك پرونده پيچيده با قطعات موثر متنوع چه در داخل، چه در منطقه است كه بازيگران زيادي در آن نقش دارند و تغيير يك فرد يا آغاز يك دور گفت‌وگو ميان دو بازيگر نمي‌تواند اثر قطعي و نهايي بر شرايط داشته‌باشد. آنچه مي‌تواند باعث صلح نهايي در افغانستان شود، يك اراده جمعي و تلاش مشترك ميان همه بازيگران داخلي، منطقه‌اي و بين‌المللي است. درون امريكا هم نمايندگان دموكرات كنگره اين انتقاد را به سياست ترامپ وارد كرده‌اند كه تمام تمركز خود را بر كشورهايي مانند عربستان سعودي، امارات و قطر و گروه طالبان قرار داده است، در شرايطي كه ديدگاهي وسيع‌تر و جامع‌تر براي حل و فصل مسائل افغانستان مورد نياز است. عاقبت اين راهبرد، صلح در افغانستان نخواهد بود، بلكه بايد راهكاري با مشاركت همه بازيگران فعال در افغانستان، همسايگان و قدرت‌هاي موثر در اين كشور در پيش گرفته‌ شود.

**"خاشقچی" بهانه جدید ترامپ برای سر کیسه‌کردن آل سعود**

****

رئیس جمهور آمریکا در اظهارنظر خود تهدید کرد که اگر عربستان در پس ماجرای مفقود شدن جمال خاشقچی باشد، «تنبیهی سخت» در انتظار ریاض خواهد بود. این اظهارات ترامپ را تنها باید تهدیدی تو خالی قلمداد کرد؛ زیرا عربستان در چشم ترامپ همانگونه که خود او اذعان کرده، مانند سرمایه‌ای هنگفت است که باید از آن استفاده شود و این مسئله نیز تنها بهانه تازه‌ای به ترامپ داده تا به وسیله آن آل سعود را سرکیسه کند. اکنون ترامپ تلاش خواهد کرد با یادآوری مسئولیت دولت عربستان در قضیه خاشقچی دربار سعودی را تحت فشار قرار داده و امتیازات بیشتری بگیرد.

